

DOI: <http://dx.doi.org/10.30512/kq.2021.13577.2643>

## توصیف و تحلیل نظریات قرآنی نظیره زین الدین در مسئله حجاب\*

مهرداد عباسی<sup>۱</sup>

عاطفه زرسازان<sup>۲</sup>

علی اسودی<sup>۳</sup>

مریم قیدر<sup>۴</sup>

### چکیده

کتاب السفور و الحجاب به قلم نظیره زین الدین، بانوی تجددگرای عرب و از شیعیان دروزی لبنان، در ۱۹۲۸ انتشار یافت. اشتمال این کتاب بر بحث‌های دینی و قرآنی موجب تمایز آن از برخی آثار مشابه آن دوره شده و این اثر را شایسته پژوهشی مستقل کرده است. دغدغه اصلی زین الدین در این کتاب بهبود وضعیت اجتماعی زنان مسلمان و تغییر وضعیت حجاب است. او پوشاندن صورت را باعث عقب ماندگی زنان و مانعی برای پیشرفت جوامع اسلامی می‌داند و با بررسی آیات و احادیث مربوط به حجاب و همچنین، با ادله عقلی نشان می‌دهد پوشاندن صورت به شیوه مرسوم در آن روز حکم شریعت نیست. در این پژوهش، مبانی فکری و ادله عقلی و دینی او درباره حد پوشش زنان توصیف و تحلیل شده است. در اثنای تحلیل این کتاب می‌توان اهمیت اقتضانات زمان و مکان را در رسیدن به نتایج متفاوت به وضوح دریافت و درباره مناقشات علمی سال‌های اخیر در ایران و دیگر جوامع اسلامی بر سر مسئله حجاب، به درک عمیق‌تری رسید. واژگان کلیدی: نظیره زین الدین، السفور و الحجاب، حجاب، حقوق زنان.

(مقاله پژوهشی)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۰۹

\* تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران /

abbasimehrdad@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران / zarsazan@gmail.com

۳. استادیار گروه ادبیات عرب، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران / asvadi@khu.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / mg.gheidar@gmail.com

## ۱- مقدمه

نظیره زین‌الدین (۱۹۰۸-۱۹۷۶) در زمره زنان تجددگرای عرب، با دغدغه احقاق حقوق زنان مسلمان و در پی تغییر وضعیت حجاب، کتاب «السفور و الحجاب» (۱۹۲۸) را تألیف کرد. شخصیت‌هایی که در آن دوره و اندکی پیش از او به دنبال آزادی زنان بودند، می‌کوشیدند تا بیشتر با استدلال‌های عقلی و عرفی جایگاه اجتماعی زنان را بهبود بخشند؛ اما عمده تلاش زین‌الدین آن بود که علاوه بر ذکر این ادله، نشان دهد وضع کنونی زنان مسلمان با آموزه‌های دین اسلام تناسبی ندارد. شاید همین تمایز بود که کتاب «السفور و الحجاب» را در کانون توجه قرار داد و علمای اصولگرای جهان عرب را بر آن داشت تا ردیه‌هایی بر آن بنویسند. زین‌الدین یک‌سال بعد از تألیف کتاب و برای پاسخگویی به این ردیه‌ها، کتاب «الفتاة و الشیوخ» را نوشت. این دو کتاب با مضامینی تقریباً مشابه، دو منبع مهم تحقیقی در حوزه حجاب به حساب می‌آیند.<sup>۱</sup> هدف اصلی زین‌الدین از نگارش «السفور و الحجاب» - چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید - تلاش برای نشان دادن حدود دینی و عقلی حجاب و بی‌حجابی است. اما باید دانست که واژه «السفور» در عنوان و متن این کتاب «بی‌حجابی یا کشف حجاب» به معنای امروزی آن نیست؛ بلکه باید معنای آن را در بافت و زمانه خودش یعنی کنار نهادن روبند در نظر گرفت. در روزگار او که زنان در لبنان و مناطق دیگر خاورمیانه بدون استفاده از نقاب و برقع حق خروج از منزل را نداشتند، او می‌خواهد نشان دهد که زن مسلمان برای حضور در اجتماع و حفظ حدود شرعی نیازی به استفاده از روبند و نقاب ندارد؛ چنان‌که خود او به صراحت انگیزه‌اش از تألیف این کتاب را رخدادی مرتبط با همین موضوع دانسته است (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۳۹). طبعاً همین کوشش‌ها و عواملی دیگر باعث شدند که امروزه حدود حجاب و بی‌حجابی تغییر کند و شکلی دیگر به خود بگیرد؛ چنان‌که امروزه نداشتن روبند را بی‌حجابی یا «السفور» نمی‌خوانند و بحث درباره حدود حجاب شکل متفاوتی یافته است. این پژوهش بر آن است تا عوامل تأثیرگذار بیرونی و نیز مبانی و تفکر حاکم بر زین‌الدین را که منجر به نگارش این کتاب شد، واکاوی کند و برای فهم جایگاه و میزان تأثیرگذاری کتاب، ادله عقلی زین‌الدین را برای رسیدن به نتایج و روش او را در فهم آیات حجاب تحلیل و نقد نماید.

اولین اشاره به کتاب «السفور و الحجاب» از سوی مارگو بدران در ۱۹۹۰ در کتاب «گشودن دروازه‌ها: گلچینی از نوشته‌های زنان فمینیست عرب»<sup>۲</sup> صورت گرفت. سپس، بُثینه شعبان در ۱۹۹۸ با نگارش مقدمه‌ای جامع برای کتاب‌های زین‌الدین در انتشار مجدد آن‌ها کوشید. عایده جوهری در کتاب «رمزیه الحجاب: مفاهیم و دلالات» (۲۰۰۷) و نبیل بومطر در کتاب «نظیره زین‌الدین رائدة فی التحرر النسوی» (۲۰۰۸) آراء زین‌الدین را بررسی کردند. مریم کوک نیز در کتابی با عنوان «نظیره زین‌الدین: پیشروی فمینیسم اسلامی»<sup>۳</sup>

۱. عارف محمد خان، وزیر سابق اتحادیه هند و از طرفداران حقوق زنان نیز به اهمیت کتابهای زین‌الدین در روزنامه The Sunday Guardian تأکید داشته است.

2. Opening the Gates: An Anthology of Arab Feminist Writing.

3. Nazira Zeineddine: A Pioneer of Islamic Feminism.

(۲۰۱۰) به زندگی زین الدین پرداخت. اثر زین الدین در همان دوره از سوی مصطفی غلایینی در کتاب «نظرات فی کتاب السفور و الحجاب المنسوب إلى الأنسة نظیره زین الدین» (۱۹۲۸) و سلیم حمدان در کتاب «المدنیة و الحجاب» (۱۹۲۸) به نقد کشیده شد. تحلیل‌ها و نقدهای کوتاه دیگر نیز منتشر شده‌اند. با توجه به اینکه اغلب آنها در جهان عرب و فضای یک قرن پیش صورت گرفته است، نیاز به تحلیل آراء او در ایران و فضای فکری امروز وجود دارد. کتاب‌هایی هم که دو سه دهه اخیر نگاشته شده، صرفاً در جهت معرفی نویسنده و کتاب بوده‌اند. لذا در دوره معاصر، هیچ پژوهشی مبنی بر تحلیل آراء قرآنی او در ایران و خارج از ایران صورت نگرفته است. در این پژوهش قصد داریم تا با تمرکز بر مبانی و ادله عقلی و دینی او، مسئله حجاب را از دریچه نگاه او بازبینی کنیم و با توجه به اهمیت این بحث در عصر حاضر، به تحلیل مبانی و ادله او بپردازیم.

## ۲- بررسی توصیفی

### ۲-۱- معرفی کتاب و مؤلف

کتاب «السفور و الحجاب» با عنوان فرعی «محاضرات و نظرات مرماها تحریر المرأة و التجدد الاجتماعي فی العالم الاسلامی» در سال ۱۹۲۸ با هدف آزادی زنان و تجدد اجتماعی در جهان اسلام منتشر شد. اندکی بعد چاپ مجدد آن ممنوع شد و پس از هفتاد سال در ۱۹۹۸ با مقدمه و بازبینی بئینه شعبان برای بار دوم منتشر شد. برجسته‌ترین مقوله در اندیشه زین الدین دعوت به بازخوانی دین و فهمی نو از دین بود (عامری، ۱۳۹۵، ص ۲۲۴). وی کوشید تا با آوردن ادله دینی و عقلی نشان دهد شریعت اسلام زنان را ملزم به پوشاندن صورت نکرده است (زین الدین، ۱۹۹۸، ص ۳۹). می‌توان دو سطح خرد و کلان برای نوشته‌های زین الدین درباره حجاب در نظر گرفت؛ در بخش خرد، پوشش بیانگر آزادی زن تلقی می‌شود و در بخش کلان، یعنی در اجتماع، نماد رهایی ملت اسلامی از بردگی به حساب می‌آید (پزشگی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶).

نظیره زین الدین از شیعیان دروزی لبنان در استانبول متولد شد (Cooke, 2010, p.18). پدرش، شیخ سعید زین الدین، رئیس دادگاه عالی استیناف لبنان از افراد سرشناس و از عالمان دین بود. همسرش نیز رئیس دیوان عالی این کشور بود (Badran, 1992, p.270). پزشک شدن آرزوی زین الدین بود، اما به دلیل زن بودن نتوانست به مدرسه پزشکی راه یابد. او و خواهرش اولین دختران شیعه دروزی بودند که در مدرسه مختلط کاتولیک فرانسوی لبنان پذیرش شدند و زین الدین با بالاترین درجه از آنجا فارغ التحصیل شد (Cooke, 2010, pp.29-30). مهمترین فرد تأثیرگذار در زندگی او پدرش بود که شریعت اسلامی را نزد او آموخت. در زمان جنگ جهانی اول خانه‌شان مدرسه دختران و پسران روستایی بود (Cooke, 2010, p.23). زین الدین در محیطی دوگانه، محیط لیبرال خانه و محیط محافظه‌کارانه خارج از خانه، رشد یافت و ضمن اینکه شیعه دروزی بود و در مدرسه کاتولیک‌ها تحصیل می‌کرد، ولی در هویت دینی‌اش سردرگم نشد (Cooke, 2010, p.31). به تدریج این محیط دوگانه سؤالاتی درباره تفاسیر مردسالارانه قرآن در ذهنش ایجاد کرد (Hibri 1999, p.134). گفتگوها و مکاتبات میان زین الدین و علما که برخی از دوستان پدرش بودند و به منزل آن‌ها آمد و شد

داشتند، باعث شد تا به تدریج به شخصیتی برجسته و پرورش یافته در دامان اسلام شهره شود. او اولین زن عرب بود که کتابی در باب حجاب تدوین کرد (Badran, 1992, p.270/ Cooke, 2010, p.87). به رغم اینکه اظهاراتش مستند به شواهد قرآنی و دینی بود، چنان جنجالی به پا کرد که از سوی علما متهم به کفر و الحاد شد. کمتر زنی تا آن روز شجاعت و جسارت اظهار نظر در آیات قرآن و تحلیل آرای مفسران را داشت و از آنجا که تفسیر آیات قرآن تنها میان مردان مرسوم بود، برآشفتند و آراء او را غیر دینی تلقی کردند. اگرچه خود او به سبب لحن کتاب و زنبودنش برخی واکنش‌ها را پیش‌بینی کرده بود (Cooke, 2010, p.87). منتقدانش ادعا می‌کردند که کتاب به دست مردانی از جمله میسیونرها و وکلا نوشته شده است (French, 2008, p.262). در مقابل، گروه‌هایی نیز او را حمایت کردند. مجله معروف «زنان مصر» از حامیان او به شمار می‌رفت و بخش‌هایی از کتاب «السفور و الحجاب» را به چندین زبان منتشر کرد (Keddie, 2012, p.96). از افراد سرشناس که مجذوب کتاب او شدند و به جرگه حامیان پیوستند، می‌توان به مفتی لبنان و وزیر آموزش و پرورش و رئیس فرهنگستان زبان عربی سوریه اشاره کرد (Badran, 1992, p.270). کتاب او واکنش‌هایی را نیز در خارج از جهان عرب به همراه داشت (Booth, 2011, p.68). زین‌الدین پس از حدود پنج سال کشمکش سرانجام مغلوب شد و پس از آن چیزی ننوشت. با این حال، تأثیر ماندگار او بر جنبش‌های فمینیستی زنان مسلمان عرب چشمگیر و فراموش‌نشده است (Cooke, 2010, p.131).

زین‌الدین در استنباط، از چهار اصل کتاب، سنت، اجماع و عقل پیروی می‌کند. به رغم شیعه بودن، چون مخاطبانش را همه مسلمانان می‌داند، علاوه بر تفاسیر شیعه، به تفاسیر اهل سنت هم عنایت دارد. او به تفاسیری چون «مجمع البیان» طبرسی، «انوار التنزیل» بیضاوی، «لباب التأویل» خازن و همچنین، «مدارک التنزیل» نسفی استناد کرده است (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۵۳). توجه به مفسران عصر خود و انعکاس اندیشه‌های احیاگرانی چون محمد عبده در آرای او، نشانه پیروی او از مکتب نواندیشی دینی است (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۶۸ و ۱۳۴). او با جریان‌های سیاسی زمانه خویش و جنبش‌های آزادی‌خواهانه زنان، آشنایی و به آراء سیاست‌مدارانی چون سید جمال، سعد زغلول و هدی شعراوی توجه دارد (شعبان، ۱۹۹۸، ص ۸). زین‌الدین به آثار ادیبان و شاعرانی (از لبنان، مصر و عراق) چون ادیب لبنانی، احمد شوقی، ابراهیم ادهم زهاوی، معروف رصافی، حافظ ابراهیم (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۲۰۲ و ۱۴۸ و ۱۳۲ و ۱۳۷) و نویسندگانی چون قاسم امین (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۱۳ و ۱۲۶)، محمد بدرالدین نعسانی (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۶۸) نیز اشاره دارد. نگاه او به تاریخ برای فهم وضعیت زنانی چون حضرت زهرا (س)، سکینه دختر امام حسین (ع) و... قابل توجه است (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۶۰)؛ در این خصوص به کتاب‌های تاریخی چون آغانی و مورخانی چون اتلیدی<sup>۱</sup> و ابن خلکان ارجاع می‌دهد. وی به اقوال امام علی (ع) بسیار استناد می‌کند (زین‌الدین، ۱۹۹۸،

۱. مورخ و ادیب مصری که شهرتش به واسطه تألیف کتاب *نوادر الخلفاء یا اعلام الناس بما وقع للبرامکه مع بنی العباس* (۱۱۰۰ق) است.

ص ۷۶). فلسفه‌دانی و استناد به آراء فلاسفه غربی چون جان استوارت میل و متفکران دوره روشنگری اروپا مانند ژان ژاک روسو مباحث عقلی او را قوام می‌بخشد (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۸۵ و ۱۲۸). گستره دانش و اطلاعات زین الدین در علوم مختلف تأثیر به‌سزایی در نگاه، قلم و نفوذ کلامش داشته است.

## ۲-۲- ادله عقلی زین الدین درباره حجاب

زین الدین راه پیشرفت زن و جامعه را تحصیل علم و ادب در اجتماع می‌داند. ورود به جامعه برای زن با گذاشتن حجاب (روبند) دشوار است و غرب این مانع را برای زنان ندارد. او برای متهم نشدن به غرب‌زدگی در پی نشان دادن تفاوت‌هاست و به دنبال اثبات آن نیست که تربیت غربیان برتر از مسلمانان است. او غرب را جامعه‌ای عقل‌گرا و مسلمانان را سنت‌گرا معرفی می‌کند و با اذعان به مجعول بودن بسیاری از احادیث می‌کوشد تا به این موضوع با دید عقلانی بنگرد. او برای برداشتن روبند فواید و برای گذاشتن آن آفاتی ذکر می‌کند (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۰۹-۱۱۲).

زین الدین معتقد است بر خلاف کشورهای غیراسلامی، زنان در جوامع اسلامی نوعی خفت اجتماعی دارند که با برداشتن روبند از بین می‌رود (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۱۷-۱۱۸). او مهمترین فایده ورود زنان به جامعه را واکسینه شدن به سبب یادگیری تعامل با مردان می‌داند؛ مانند فردی که به دلیل قرار گرفتن زیاد در معرض گرمای خورشید و هوای سرد کمتر بیمار می‌شود (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۲۰-۱۲۲). همچنین با ورود زنان به اجتماع، کمالات اخلاقی مردان رشد می‌یابد. زین الدین ضمن اشاره به کلام روسو، فیلسوف غربی، معتقد است زن و مرد آینه یکدیگرند. به گفته روسو «اگر می‌خواهید مردان اهل ادب و فضیلت باشند، به زنان ادب بیاموزید» (زین الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۲۸). فایده دیگر رواج احترام است. از نظر زین الدین، آزادی اساس تربیت است. مردان زنان آزاد را شایسته احترام می‌بینند. عجیب است که مردان مسلمان از ترس ایجاد مفسده، روبند را بر زنان مسلمان تحمیل کرده و آزادی‌شان را سلب کرده‌اند. زین الدین به سلوک زنان روستائین اشاره می‌کند و می‌گوید که فساد در میان زنان شهری با حجاب شایع‌تر از روستائیان بی‌حجاب است (زین الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۲۹). مزیت دیگر، رسیدن به حقوق مساوی است. مردان با مطرح کردن نقصان دین و عقل زنان، حقوق اجتماعی‌شان را سلب کرده‌اند. زین الدین آگاهانه می‌کوشد تا با طرح مشکلات جامعه مسلمانان، این تفکر مردان را به چالش بکشد. او با لحنی تند اظهار می‌کند به مصلحت مردان و جامعه اسلامی نیست که نیمی از مردمانش ناقص‌العقل باشند و آن نیم هم کسی جز مادران، خواهران، دختران و همسران این مردان نیستند. بنابراین، لازمه گشایش، کنار گذاشتن این تفکر ناصحیح مردان است (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۲۶-۱۲۸).

به عقیده زین الدین، روبند در حقیقت قوامیت مردان را زیر سؤال می‌برد و خواری و خفت برای مردان است. چون این طور به نظر می‌رسد که مردان خائن و دزدند و قصد دست‌درازی به مایملک دیگران دارند و در واقع، روبند کرامت زن و مرد را تحت الشعاع قرار می‌دهد (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۱۳ و ۱۱۶). او معتقد است

همانطور که دزدها و قاتل‌ها در پس نقاب برای ارتکاب اعمال شنیع جسارت می‌یابند، زنان نیز ممکن است در پس این پرده مرتکب اعمال پنهانی شوند و در جامعه فتنه رواج یابد. بنابراین، بهتر است مردان، زنان را از این عامل بازدارنده یعنی ترس از آبروریزی، محروم نکنند (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۱۸-۱۱۹) و اینکه امکان خطای معدودی از زنان همیشه محتمل است؛ ولی تعمیم این سوءظن جز سلب اعتماد ثمری نخواهد داشت. زین‌الدین برای نشان‌دادن قبح سوءظن به استناد آیات قرآن و احادیث، گریزی هم به کلام قاسم امین می‌زند: «آیا این عار نیست که تصور کنیم مادران، همسران و خواهران مسلمان صیانت از نفس را نمی‌دانند؟» (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۲۴-۱۲۶). زین‌الدین با آوردن ادله عقلی، پوشاندن صورت را به نفع زن و جامعه نمی‌داند.

### ۲-۳- مواجعه زین‌الدین با آیات مرتبط با حجاب

او به تفسیر چهار آیه مرتبط با حجاب می‌پردازد که نتایج حاصله به اختصار از این قرارند:

#### ۲-۳-۱- اختصاص آیه «قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» و آیه «حِجَاب» به زنان پیامبر

برخی فقها مطابق دو آیه قرآن، به خانه‌نشینی زنان حکم داده‌اند؛ نخست آیه ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ... قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ (احزاب: ۳۳/۳۲ و ۳۳) و دیگری آیه ﴿...إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...﴾ (احزاب: ۳۳/۵۳). به عبارتی، آنان امر به خانه‌نشینی زنان را به قرآن مستند کرده‌اند. مطابق ظاهر آیات و اجماع مفسران، مخاطب این آیات همسران پیامبرند؛ اما معدودی با تعمیم آن به سایر زنان، دلیل خطاب را فضیلت زنان پیامبر عنوان کرده (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۶۳/قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۷۹) و فقها نیز از آن‌ها پیروی کرده‌اند. زین‌الدین این تعمیم را نادرست می‌داند. اولین دلیل او اشاره به سبب نزول است؛ زیرا با نزول این آیات، زنان امت از پیامبر (ص) سؤال کردند که چرا چنین چیزی برای آن‌ها نازل نشده است که در پاسخ، خداوند آیه ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ...﴾ (احزاب: ۳۳/۳۵) را نازل کرد (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۵۸). همچنین به گواهی تاریخ، اجتماع زنان و مردان همیشه مرسوم بوده است. فاطمه زهرا (س) در درس‌ها و گفت‌وگوهایی که زنان و مردان در آن حاضر بودند، حضور می‌یافت و ام‌کلثوم، دختر علی (ع) نزد مهمان می‌آمد. ادبا، شعرا و علما به منزل سکینه، دختر امام حسین (ع) آمدوشد داشتند. شافعی نزد نفیسه، نوه علی بن ابی طالب تعلیم می‌دید و بسیاری موارد دیگر. بنابراین، این رویه در اجتماع برقرار بود و تنها همسران پیامبر به حجاب و معاشرت از پشت پرده امر شده بودند. زین‌الدین با جستجو در شواهد تاریخی به این نتیجه می‌رسد که ظاهراً، نخستین کسی که به جدایی مجالس زن و مرد اعتقاد داشت متوکل عباسی بوده است (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۶۰-۱۶۱). وی در نهایت، به قواعد فقهی استناد می‌کند و حکم این آیات را مربوط به همسران

پیامبر می‌داند؛ طبق قاعده اول، اصل بر بقای چیزی است که برقرار است<sup>۱</sup> و طبق قاعده دوم چیزی که در زمانی ثابت شود، همچنان باقیست تا زمانی که دلیلی برای خلاف آن یافت نشود<sup>۲</sup> (زین الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۵۹).

### ۲-۳-۲- خطای مفسران در تفسیر «قرن»

زین الدین آراء متناقض مفسران را نشان دهنده تفاسیر نامعتبر و تنها قرآن را مصون از خطا می‌داند. او مدعی است عموم مفسران که «قرن» را از «قَرَّ يَقَرُّ: در خانه نشستن» دانسته‌اند، دچار اشتباه شده‌اند؛ زیرا امر این ریشه «قرن» می‌شود و بدلیل مغایرت خوانش «قرن» با قرائت عامه، این معنا قابل توجه نیست. معنای دیگر «قرن» از نگاه مفسران، اهل وقار بودن از ریشه «وَقَرَّ يَقَرُّ» است. اگرچه زین الدین این معنا را می‌پسندد، ولی به دلیل ناسازگاری با قواعد عربی و لغوی و وارد بودن همان اشکال قبلی آن را هم نمی‌پذیرد (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۶۲-۱۶۳). گفتنی است طبری خوانش «قرن» و معنای وقار را به استناد قرائت جمهور برگزیده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۴). اما «قرن» از نظر زین الدین از ریشه «قار یقار» است (که یکی از معانی آن «آهسته و بی صدا راه رفتن» است). از نظر زین الدین، نه تنها هیچ تکلفی در این معنا نیست؛ بلکه هم با قواعد لغوی و هم با اراده و مصلحت پروردگار که طالب آسانی است موافقت دارد (زین الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۶۲).

### ۲-۳-۳- عدم انطباق حکم «جلباب» با پوشاندن صورت

برخی فقها به استناد آیه ﴿...يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ ذَلِكْ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ﴾ (احزاب: ۳۳/۵۹) حکم به پوشش صورت داده‌اند؛ اما زین الدین به دلایلی این حکم را صحیح نمی‌داند. نخست اینکه مطابق با روایات سبب نزول، جلباب برای شناسایی بود و پوشاندن عضوی خاص منظور نبود، زیرا زنان آزاد که شبها برای قضای حاجت به اطراف شهر می‌رفتند، گاهی از کنیزان تمییز داده نمی‌شدند و جوانان لایبالی به آن‌ها تعرض می‌کردند. اگر بنا بر پوشاندن صورت بود، عبارت «أَنْ لَا يُعْرَفْنَ» (یعنی شناخته نشوند) به صورت منفی می‌آمد. شاهدی بر این برداشت تازیانه عمر بر کنیزی است که با جلباب خود را شبیه زنان آزاد کرده بود و شاهد دیگر تاریکی شب است که زنان در آن قابل شناسایی نبودند و هنگام روز که شناسایی ممکن بود نیازی به سر کردن جلباب نبود (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۷۴-۱۷۵). دلیل دیگر زین الدین، تشتت آرای مفسران درباره جلباب (قمیص، پیراهن، عبا یا ملحفه) است و اینکه هیچ‌یک از اینها نمی‌تواند صورت را بپوشاند. بر فرض که با ملحفه صورت خود را می‌پوشاندند، چه بسا در تاریکی شب در زیر ملحفه به اشتباه به سوی همان جوان‌ها می‌رفتند (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۷۵-۱۷۶). زین الدین آشفتگی و تناقض در قول ابن عباس و مجاهد را نیز دال بر عدم پذیرش حکم جلباب بر پوشش صورت می‌داند. طبق این اقوال، هنگام خروج جهت قضای حاجت موضع جیب یعنی سر و پیشانی باید با جلباب پوشانده شوند. زین الدین شگفت‌زده از این قول و با اشاره به اقوال

۱. الأصل بقاء ما كان على ما كان.

۲. ما ثبت بزمان يحكم ببقائه ما لم يقم الدليل على خلافه.

متفاوت ابن عباس در این خصوص اظهار می‌کند که گویی مفسر فراموش کرده موضع جیب همان سینه است! پس چطور به پیشانی و سر ربطش می‌دهد؟ (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۷۷) و دلیل آخر اینکه اگر منظور خدا پوشاندن صورت بود، از آوردن آیه «غض بصر» یا «آشکار ساختن زینت» یا «انداختن خمار» (نور: ۲۴/۳۱، ۳۰، ۳۱) بر سر بی‌نیاز بود (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۷۸).

### ۲-۳-۴- عدم انطباق حکم «حُمُر» با پوشاندن صورت

برخی فقها حکم پوشش صورت زنان را به آیه ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...﴾ (نور: ۳۱/۲۴) گره زده‌اند. برخی مفسران چون طبرسی و خازن تنها به پوشاندن سینه اشاره کرده‌اند؛ ولی نسفی گفته است هم موضع سینه و هم صورت و گردن باید پوشانده شود؛ درحالی‌که مطابق سبب نزول، موضع سینه نمایان و حکم افکندن روسری بر آن به همین سبب بوده است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۳۶۴). زین‌الدین ادعا می‌کند که فقها حقایق دینی خود را از مفسران و نه قرآن می‌گیرند و به سخت‌گیرانه‌ترین تفسیر حکم می‌دهند (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۷۶-۱۷۸).

### ۲-۳-۵- دلالت «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» بر نپوشاندن صورت

استثنای ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ بعد از ﴿لَا يُدِينُ زِينَتَهُنَّ﴾ (نور: ۳۱/۲۴) اشاره به ظاهر کردن بخشی از زینت دارد که ظاهراً تعیین آن برای مفسران پیچیده‌ترین بخش آیه است. او معتقد است مفسران و فقها بدون توجه به روح آیه به تناقض افتاده‌اند. در اقوال صحابه و تابعین نیز تناقض وجود دارد؛ اغلب «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» را «وجه و کفین»، ابن مسعود «لباس» و ابن عباس «سرمه، انگشتر و خضاب» دانسته‌اند. اقوال متناقض هر فرد هم زین‌الدین را حیرت‌زده می‌کند. مثلاً ابن‌عباس در روایتی بیان کرده که زنان می‌بایست با جلباب سر و صورتشان را به گونه‌ای بپوشانند که فقط یک چشم‌شان پیدا باشد. در روایتی دیگر بر پوشاندن موها، سینه، استخوان‌های ترقوه و ترائب تصریح کرده و در جای دیگر، هیچ اشاره‌ای به پوشاندن صورت، دست‌ها، پاها، ساعد، گردن و گوش‌ها نکرده است. او این تناقضات را شایسته اعتنا نمی‌بیند (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۷۶-۱۷۸).

تناقض در حکم فقها نیز قابل تأمل است؛ چنان‌که گفته شد برخی مفسران «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» را «سرمه و خضاب» دانسته‌اند؛ اما گاه فقها می‌گویند: اگر زنی حنا بگذارد و سرمه بکشد، مورد لعن است و در جایی دیگر می‌گویند: اگر حنا نگذارد و سرمه نکشد، مورد لعن و نفرین است. عجیب است که زن‌ها در هر حال مورد نفرین هستند! چه خضاب کنند یا نکنند، چه سرمه کشند یا نکشند. زین‌الدین با ابراز تأسف به حال زنان، حکم فقها را بر اساس سلیقه قلمداد می‌کند و تناقضات یک اثر تفسیری را نیز نشانه بی‌توجهی مفسر و قابل اعتنا نبودن آرای او می‌داند؛ او بیضاوی را مثال می‌زند که در جایی منظور از «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» را وجه و کفین می‌داند؛ ولی در جای دیگر تصریح به پوشاندن صورت می‌کند (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۷۹-۱۸۰).



### ۳- بررسی تحلیلی

#### ۳-۱ - عوامل تأثیرگذار در نگارش کتاب

بررسی فضای فکری و رخدادهای پیرامون نویسنده نخستین گام در تحلیل نوشته‌های زین الدین به شمار می‌رود. زین الدین کتابش را در اوج جنبش‌های آزادی‌خواهانه زنان نگاشت. اشاره به برخی جنبش‌ها از چندین دهه پیش‌تر، اهمیت و جایگاه کتاب را بارزتر می‌کند. اگرچه قاسم امین با تألیف کتاب‌های «تحریر المرأة» و «المرأة الجديدة» به‌عنوان پیشرو در احقاق آزادی زنان شهرت دارد؛ ولی پیش از او زنانی بودند که احتمالاً به‌خاطر جنسیت‌شان نادیده انگاشته شدند. زینب فواز از نخستین زنانی بود که مقالاتی را در موضوع زنان در مجلات مصری پیش از ۱۸۹۲ تألیف کرد و هند نوفل اولین زن در جهان عرب بود که «مجلة الفتاة» را با موضوع زنان در اسکندریه منتشر کرد. انتشار مجلات تا دوره زین الدین به حدود ۲۵ مجله رسید که به قلم زنان و مردان در قاهره، دمشق، بیروت و بغداد منتشر می‌شدند. شکل‌گیری تشکل‌هایی با نام «پیشرفت زن مصری»<sup>۱</sup> در مصر، «بیداری زن عرب»<sup>۲</sup> در بیروت، «نهضت زنان»<sup>۳</sup> در طرابلس از فعالیت‌های دیگر بود (شعبان، ۱۹۹۸، صص ۱۱-۱۴). زین الدین در سال وفات قاسم امین و دقیقاً در گیرودار این جنبش‌ها متولد شد.

رخدادهای اواخر قرن نوزدهم و اوایل بیستم سهم به‌سزایی در تحول اندیشه حجاب داشتند. ظاهراً منازعه بر سر پوشش زنان دو سو داشت؛ یک‌سو استعمار و سوی دیگر بومی (صادقی، ۱۳۹۶، ص ۷۰). اگرچه برخی در تحلیل ماجرا استعمار را قوی‌ترین عنصر به حساب می‌آورند و مدعی‌اند به هیچ وجه مسأله احقاق حقوق زنان در میان نبود. فمینیست‌های اروپایی نیز عنصر دیگر بودند که حجاب را تقبیح و دلیل عقب‌ماندگی اسلام معرفی می‌کردند (احمد، ۱۳۹۴، صص ۱۹۲-۱۹۵ و ۲۶۰-۲۶۵). لیلا احمد با تحلیل نوشته‌های قاسم امین با دغدغه عقب‌ماندگی اسلام، نتیجه می‌گیرد رویکردش حاصل درونی کردن گفتار استعمار و بیان دیگری از آراء استعماری در مورد پستی مسلمانان و بومیان و برتری غربیان است (احمد، ۱۳۹۴، صص ۱۹۵-۲۰۳). منتقدان زین الدین چون غلایینی نیز با همین نگاه او را ارزیابی می‌کردند. سوای نظر منتقدان، ظاهراً او تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله اوضاع فکری و سیاسی عصر خود مانند شکست جنبش‌های آزادی‌خواهانه زنان و برآمدن تفکر اصول‌گرایانه اخوان المسلمین و مهمتر از همه، به‌جهت تطبیق اصول رایج با شریعت اسلام اقدام به نوشتن کتاب کرد. تعالیم دینی پدر و تربیت در محیط لیبرال خانه و پیروی از مذهب عقل‌گرای شیعه همگی در تأثیرپذیری زین الدین دخیل بودند. پدر با کمک به ورود دخترش به محافل روشنفکری سوریه و عثمانی او را مهیای گفتمان بحث و نزاع کرد و در شکل‌گیری شخصیت فکری و سیاسی دخترش نقش به‌سزایی ایفا کرد. (Booth, 2011, p.68). سنت‌گرایان نوشته‌های زین الدین را تعصبات فرقه‌ای و دسیسه استعمار دانسته‌اند (Badran, 1992, p.270/ جوهری، ۲۰۰۷، ص ۲۶۰). اگرچه تمدن غرب در نگاه زین الدین بی‌تأثیر نبود؛

۱. ترقية المرأة المصرية.

۲. يقظة الفتاة العربية.

۳. نهضة الفتاة.

ولی منظور او از بی‌حجابی با آنچه در غرب مرسوم بود تفاوت داشت. او در این بحران، به دنبال راهی برای برون‌رفت از وضعیت نابسامان زنان بود. در نظر وی پوشش صورت مانع اصلی برای ورود زنان به جامعه کاری بود. لذا برای حل این معضل کوشید ابتدا مسأله حجاب را حل کند.

درباره تأثیرپذیری از فمینیسم، با اینکه اصطلاح «فمینیسم» در دوره او به تازگی رایج شده بود؛ ولی در دعوتش به بازسازی حقوق اعطایی قرآن به زنان از زبان فمینیستی استفاده نکرد، ولی هم‌عصرانش از کتاب او به‌عنوان اثری فمینیستی یاد کرده‌اند (بدران، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۳۱۶).

### ۳-۲- مبانی فکری

پایه‌های فکری زین‌الدین بر اساس مضامین کتاب بر دو اصل مهم قرآن‌گرایی و عقل‌گرایی بنا شده است. از سوی دیگر، او نمی‌تواند در رویارویی با جهان متجدد بی‌تفاوت باشد. لذا می‌کوشد دین و دنیای مدرن را تطبیق دهد.

### ۳-۲-۱- تجددگرایی

تجددگرایی در پاسخ به پرسش‌های جدیدی ایجاد شد که به سبب تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از تمدن غرب میان مسلمانان مطرح شده بود. در چارچوب مدرنیته، مسائلی چون فهم احکام قرآن درباره آزادی و جایگاه حقوقی زنان با توجه به آرمان‌های جدید تساوی حقوق زن و مرد مورد بحث بود. عبده از چهره‌های برجسته نواندیش و تجددگرا تحت تأثیر سلطه سیاسی و رفاه تمدن غرب، رویکردی عقل‌گرایانه در تفسیر قرآن اتخاذ کرد (ویلانت، ۱۳۹۲، صص ۱۸۳-۱۸۶). زین‌الدین با تأسی به عبده، آیات حجاب را تفسیر می‌کند. او آزادی را خواسته دیرینه بشر در طول تاریخ می‌داند (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۴۲-۴۶) و به استناد آیات قرآن (نساء: ۸۰/۴؛ انعام: ۱۰۷/۶؛ غاشیه: ۲۲/۸۸)، اسلام را مبتنی بر آزادی در همه ابعاد فکر، اراده، گفتار و رفتار می‌داند (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۴۶-۶۳). از نظر او، اسلام نسبت به ادیان دیگر حق بیشتری برای زنان قائل بوده، اما به تدریج با وضع قوانین سخت از حقوق زنان کاسته شده است (Cooke, 2010, p.73).

زین‌الدین ضمن اینکه قائل به تساوی زن و مرد است، هر فرد را در دایره‌ای از حقوق می‌بیند و قیومیت مردان را منوط به اعتراف به تساوی حقوق (حتی در حجاب) دانسته است، اما به تعبیر غلایینی، زنان آزاد دست به اعمالی می‌زنند که مجال بی‌احترامی را فراهم می‌کنند. به اعتقاد زین‌الدین، این طرز نگاه به دلیل تعریف متفاوتی است که اغلب مردان از آزادی دارند (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۲۶۹-۲۷۳).

### ۳-۲-۲- قرآن‌گرایی

قرآن‌گرایی زین‌الدین بازتاب نگاهش به «شریعت» است. شریعت در نگاه او نص صریح قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) است. او مدعی است مفسران بعضاً با استناد به اقوال متناقض و مجعول باعث انحراف مسلمانان

شده‌اند، چنان‌که جعل حدیث در دوران پیامبر (ص) مطابق با حدیث معروف «قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكَذَّابَةُ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۲) رایج بوده و به تفاسیر سرایت کرده است (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۶۴-۶۸). این دیدگاه زین‌الدین او را مقابل علمای معاصرش قرار می‌دهد که گرایش به پذیرش حداکثری حدیث دارند. زین‌الدین در قرآن‌گرایی از عبده الگو پذیرفته است؛ به اعتقاد عبده، تعقل نورزیدن در امور دین باعث عقب‌ماندگی، و تأویل قرآن منجر به پیدایش فرقه‌های متعدد و بدعت شده است (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۶۸). عبده به دور از حاشیه‌پردازی، در پی اثبات این نکته است که تعقل و تفقه بر هر مسلمان مکلف واجب است (عنایت، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴). زین‌الدین با داشتن چنین مبنایی پوشش مردان با دستار و عمامه و زنان با روبند را مطابق شریعت (قرآن و سنت) نمی‌داند و اصرار علما بر این حد پوشش را به جهت دنباله‌روی از آداب و رسوم پیشینیان می‌داند و از آنجا که تقلید از رسوم کهن را نمی‌پسندد، به یکی از منتقدانش با کنایه می‌گوید آیا شیخ دستور به نوشتن به شیوه قدیم به روی برگها، سنگها و استخوان‌ها را می‌دهد (Cooke, 2010, P. 51-52). او می‌کوشد سنت‌گرایان را متقاعد کند که پوشش صورت حکم قرآن نیست.

### ۳-۲-۳- عقل‌گرایی

تأثیر اندیشه‌های متفکری چون عبده به لحاظ تجددگرایی، قرآن‌گرایی و عقل‌گرایی زین‌الدین را در مسیری قرار می‌دهد که دین‌عقلانی را بپذیرد. زین‌الدین دین و عقل را متصل به هم می‌داند و معتقد است آنچه عقل از شریعت می‌فهمد مورد تأیید شریعت است (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۷۶). مستند او در این باب، حدیثی از علی (ع) است که عقل را حجت درونی و شرع را حجت بیرونی می‌شمارد (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۴۲۵). در پرتو این دیدگاه، ضمن بررسی ادله عقلی حجاب، به آیات و روایات متعدد استناد می‌کند و در بررسی ادله دینی، موارد ناسازگار با عقل را شریعت تلقی نمی‌کند.

### ۴- روش فهم آیات

زین‌الدین در تفسیر از روایت، علم لغت، تاریخ، اصول فقه و مهمتر از همه قرآن، بهره می‌جوید و اغلب به یک وجه بسنده نمی‌کند.

### ۴-۱- توجه به قرآن

قرآن در نگاه زین‌الدین، کتاب هدایت است و چون معتقد است سنت با احادیث مجعول دستخوش تحریف شده، قرآن را اصل قرار داده است (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۶۹). او با استناد به قرآن و بر خلاف تفاسیر رایج، هرگز دو آیه «قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» و «حِجَاب» را به همه زنان تعمیم نداد و پوشاندن صورت را با خُمر و جلباب حکم قرآن ندانست و تصریح می‌کند که اگر مقصود پوشاندن صورت بود، نیازی به «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» بعد از «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» و همچنین، دستور «غَضْ بَصْر» نبود (زین‌الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۸۲ و ۱۸۰).

او در تکمیل تفسیر خود از این آیات، به آیات دیگر قرآن توجه ویژه دارد. مثلاً در بررسی لغوی واژه «قرن» به این نتیجه می‌رسد که این واژه به معنای «آهسته و بی‌صدا راه رفتن» است و در اثبات این معنا، از آیات قرآن شاهد سخن می‌آورد آنجا که خداوند می‌فرماید: ﴿لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ (نور: ۳۱/۲۴) (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۶۲). اگرچه این تعبیر او با تفاسیر دیگر فاصله‌ای زیاد دارد، اما او با استدلال قرآنی در تثبیت تفسیر خویش می‌کوشد.

#### ۴-۲- توجه به عقل

زین‌الدین ادله دینی خود را به عقل گره می‌زند. مثلاً در قرآن مخاطب «غض بصر» زنان و مردان هستند و این در حالی است که به هیچ‌یک گفته نشده تا صورت‌شان را بپوشانند. زین‌الدین با مطرح کردن سؤال ذیل تلنگری بر مردان می‌زند که آیا مردان با اجبار بر پوشاندن صورت زنان و بازگذاشتن روی خود، اعتراف به دشواری غض بصر برای خود و اعتراف به ادب نفس زنان و غض بصر ایشان نمی‌کنند؟ زنان با روبند بسیاری از توانایی‌هایشان سلب می‌شود، درحالی‌که فرو بستن چشمان مردان بسی راحت‌تر از پوشاندن روی زنان است. زین‌الدین با نهیب به مردان این کار را مطابق شرع اسلام نمی‌داند و معتقد است مدعیان عدل و تدین نباید با این کار به مادر، خواهر، دختر و همسرشان ظلم کنند (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۸۳).

شیعه بودن و به عقل به مثابه اصول استنباط دین نگریستن به زین‌الدین کمک می‌کند مسائلی را عقلانی بنگرد. او تعارض دین با عقل را نمی‌پذیرد و حبس زنان در خانه را باعث رواج بی‌اعتمادی و زیر سؤال رفتن قوامیت مردان می‌داند. اگرچه ناقدان ادله او را عقلانی-دینی نمی‌دانند و او را غرب زده می‌نامند؛ ولی اغلب دلایل قابل دفاع است و برخی هم به نظر می‌رسد به نوعی فرار از بحران و راه‌گریز از تنگناهای موجود باشد. او خلقت مرد را با صورتی مودار مثال می‌زند که دستور دین ابقای آن است؛ درحالی‌که مرد آن را از بین می‌برد. بالعکس، صورت زن بدون پوشش آفریده شده و دستوری بر اخفای آن در دین نیست، ولی مردان با نقاب صورت زنان را می‌پوشانند. این دلیل از نظر منتقدان چندان عقلانی نیست و بدون توضیح از آن گذر می‌کنند (ع.ع، ۱۹۲۸، ص ۱۰۴). باید گفت او عقل‌گرایی را وامدار شیعه بودن است و از این رو، مخالفان غیرشیعی بر او می‌تازند.

#### ۴-۳- توجه به روایات در تفسیر

زین‌الدین به روایات شیعه و سنی بدون تعصب مذهبی و به یک اندازه التفات دارد. اصل مهم نزد او در گزینش روایات، سازگاری با عقل است. اقوال متناقض را به حکم عقل و ارجاع به قرآن و احادیث عقلانی کنار می‌نهد. در مواجهه با تعارضات اقوال صحابه در حکم پوشش صورت، به گفته پیامبر (ص) «روایات مخالف با کتاب خدا مردودند» (نک: برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۱) و همچنین به روایات متعددی از علی (ع) «اکثر حق همان است که انکارش می‌کنید» (نک: سید رضی، بی‌تا، ص ۷۴۴) ارجاع می‌دهد (زین‌الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۸۰).

#### ۴-۴- توجه به لغت

زین الدین با در نظر گرفتن سه ریشه و سه معنا برای «قَرَن»، ریشه «قار یقار» و معنای «آهسته و بی صدا راه رفتن» را صحیح دانسته است. به اعتقاد او این ریشه و این معنا هم با قواعد لغوی و هم با مصلحت خدا که طالب آسانی است، سازگاری دارد (زین الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۶۲). در تحلیل این رأی باید گفت: مفسران قدیم به این ریشه توجه داشته‌اند؛ ولی معنای دیگری را برای آن منظور کرده‌اند. به گفته ابوالفتح همدانی «قَرَن» می‌تواند از «قار یقار: به معنای جمع شدن» باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۳۷/ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۳۱/ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۷۶). هر چند معنای مورد نظر زین الدین هم در معاجم آمده است و خود نیز تأکید می‌کند مفسران از آن غافل بوده‌اند؛ ولی بهتر بود به معانی دیگر این ریشه هم اشاره می‌کرد. اشکال دیگر اینکه او در ریشه «قَرَّ یقَرّ: در خانه نشستن» نیز همه جوانب را در نظر نگرفته است. مثلاً به گفته زجاج، اصل «قَرَن»، «إقَرَرَن» بوده و «راء» اول بخاطر ثقل تضعیف حذف شده و حرکتش به «قاف» منتقل شده و همزه وصل هم افتاده است، لذا «قَرَن» خوانده می‌شود (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۷). اشکال دیگری نیز که به او برمی‌گردد این است که در میان تفاسیر مورد مراجعه‌اش، مثل «مجمع البیان» و جوه دیگری نیز وجود داشته و او در نقل آن‌ها غفلت ورزیده است؛ در این وجه گفته‌اند که «قَرَن» از «قَرَرْت به عیناً» است و گویی یک «عین» محذوف در آیه داریم و معنای آیه چنین می‌شود که چشمان‌تان را با او (پیامبر) در خانه‌هایتان روشن دارید (نحاس، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۱۵/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۷۹/ قس: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۷).

#### ۴-۵- بهره از اصول فقه و مخالف با سخت‌گیری فقها

زین الدین در عین حال که در روش تفسیر و طریق استنباط از اصول فقه بهره می‌برد، ولی نگاه مثبتی به فقها ندارد. مثلاً برای اثبات بلااشکال بودن اجتماعات زن و مرد در طول تاریخ به اصول فقهی ارجاع می‌دهد (زین الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۵۹). او به دو دلیل با فقها چندان موافق نیست. اولاً آن‌ها را سخت‌گیر می‌داند و معتقد است با آوردن اقوال متناقض و گزینش سخت‌ترین‌ها، راه را برای زنان دشوار کرده‌اند. مثلاً در تفسیر «حُمُر»، نسفی پوشش صورت را حکم کرده است؛ در حالی که خازن و طبرسی حکم پوشش صورت و حتی گردن را از آیه استنباط نکرده‌اند. ثانیاً فقها را در تناقض می‌بیند. مثلاً فقها گاه بخاطر سر مه کشیدن و خضاب کردن و گاه بخاطر انجام ندادنش زنان را لعن کردند. با این احکام متناقض، زنان کدام حکم را محل اعتنا بدانند؟ او معتقد است که فقها به سلیقه خود احکام را سهل و دشوار کرده‌اند (زین الدین، ۱۹۹۸، ص ۱۷۹). البته می‌توان این تناقض در کلام فقها را به ستودن آرایش زن در منزل (صرفاً برای همسر) و نکوهش خودآرایی در خارج از منزل (برای نامحرم‌ان) حمل کرد که در این صورت زین الدین در فهم کلام فقها دچار فهمی نادرست شده است و آنها را به تناقض‌گویی متهم کرده است.

۱. طبق اصول فقه «اصل بر بقاء چیزی است که برقرار است» و «چیزی که در زمانی ثابت شود همچنان باقیست تا زمانی که دلیلی بر خلاف آن یافت نشود»

## ۴-۶- توجه به مباحث علمی و جدید

به نظر زین الدین با پیشرفت علم، نادرستی بسیاری از تفاسیر قدیم معلوم می‌شود. او برای نشان دادن خطای مفسران به اقوالشان در خصوص تاریخ، جغرافیا و فلک، استناد می‌کند. اختلافات در داستان ذوالقرنین، زین الدین را به سمت افسانه‌ای بودن این اقوال متناقض می‌کشاند. در موضوع جغرافیا رأی مفسران را ذیل آیه ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾ (یس: ۳۶/۳۸) که خورشید در آبی گل‌آلود و لجن‌آلود غروب می‌کند، تحلیل دانسته است (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۶۴-۱۶۸). به اعتقاد او تعارض میان علم و قرآن باعث کم‌رنگ شدن دین و ایمان مسلمانان می‌شود و چه بسا برای رهایی از عقب‌ماندگی به علم تمسک جویند و قرآن را کنار نهند. به نظر او باید به قرآن نگاه جامعه‌شناسی، اجتماعی و سیاسی هم داشت. توصیه او تشکیل انجمنی به دست فقها، علما و دانشمندان برای تألیف تفسیر جمعی است (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۷۳-۱۷۴).

## ۴-۷- اعتقاد به روح کلام و تطبیق آن با عرف جامعه

به نظر زین الدین، مفسران و فقها به روح کلام و معانی کمتر توجه داشته و صرفاً اقوال متناقض را نقل کرده‌اند. مثلاً در تفسیر ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ نه تنها ابهام را برطرف نکردند؛ بلکه با نقل قول‌های متعارض بر پیچیدگی آن نیز افزودند. عرف و تغییرات هر عصر مسأله بسیار مهمی از نظر زین الدین است. او احکام را مطابق با فرهنگ مردم هر عصر قابل تغییر می‌داند. عرف از نظر او تعیین کننده مصداق «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» است و چون عادات و عرف هر زمانه تعیین کننده زینت است، خداوند آن را مبهم گذاشته است. هدف قرآن این است که به زنان بگوید با وقار باشند، تبرج نکنند و زینت خود را آشکار نکنند؛ مگر اینکه مطابق با عرف جامعه باشد. نمونه دیگر استفاده از جلباب برای شناسایی کنیز از زن آزاد در عصر پیامبر اکرم (ص) بوده است. در این دوره، به دلیل نبودن کنیز و تغییر در خانه‌سازی، پوشش جلباب کاربرد خود را از دست داده است. شکل لباس نیز در هر دوره تغییر می‌یابد. مثلاً مردان مسلمان عمامه را با کلاه عوض کردند یا اینکه شلوار پوشیدند. شرع، تعیین کننده نوع لباس نیست و مؤمن در تعیین شکل لباس آزاد است. به تعبیر او، باید به معانی توجه شود نه الفاظ (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۱۸۱-۱۸۲).

## ۴-۸- تأثیرگذاری

زین الدین با نوشته‌هایش بر دو قشر متفاوت در جامعه تأثیر گذاشت؛ گروه اول حامیان اصلاح طلب و گروه دوم مخالفان سنت‌گرا. سرانجام زین الدین با نگارش کتاب «الفتاة و الشيوخ» و سه مقاله دست از مبارزه با مخالفان کشید و از ۱۹۳۴ به بعد دیگر نوشته‌ای از او یافت نمی‌شود. منتقدان او با بی‌احترامی، توهین، ناقص‌العقل و ناقص‌الدین خواندن زنان و گره‌زدن این افکار به غرب می‌کوشیدند و وجهه دینی گفتمان را کم‌رنگ جلوه دهند. غلابینی با تمسخر به او می‌تازد و می‌گوید: «در این کتاب آمده است که مردان بی‌سوادند و مفسران تا به امروز آیات قرآن را به اشتباه تفسیر کرده‌اند و فقط نظیره زین الدین است که فهم درستی از آیات قرآن دارد»

(جوهری ۲۰۰۷، ص ۱۶۰). زین الدین در پاسخ به وی، در کتاب «الفتاة و الشیوخ» او را به دفعات به خداترسی فرامی خواند و ریاکاری و ساده لوحی را برای جامعه مسلمانان خطرناکتر از هر چیزی می داند و معتقد است باید در مسیری گام نهاد که مردان و زنان خواهان حقیقت قدم می نهند (Badran, 1992, p.277). با این همه، زین الدین در عصر خود تأثیر چندانی در تغییر حجاب به جای نگذاشت. امتداد این نزاع و اختلاف تا عصر حاضر نشان از دشواری راه دارد. چنان که برخی معاصران با اشاره به اقدامات مصلحانی چون قاسم امین، هدی شعراوی، فاطمه مرینسی و دیگران مدعی اند تا زمانی که این گروه‌ها نتوانند در نگاه سلفی تغییری ایجاد کنند، فایده‌ای در تفسیر دین وجود ندارد (جوهری، ۲۰۰۷، صص ۳۰۰-۳۰۱).

به نظر می رسد تلاش چندانی در پیوند زین الدین با تأثیرگذاری (یا عدم تأثیرگذاری) فعالیت‌های جنسیتی بعدی نشده است، جز اینکه مریام کوک با قراردادن عنوان «پیشروی فمینیسم اسلامی» در نام کتابش، بحثی جنسیتی را پیش می کشد و درباره نزاع‌های قرن بیستم حول سیاست‌های جنسیتی خاورمیانه و آنچه در جوامع اکثریت مسلمان اتفاق افتاده است، بحث می کند (Booth, 2011, p.71).

#### ۵- نقد و تأملی بر اندیشه نظیره زین الدین

۱- بدیهی است که زین الدین با تفسیر آیات، بر آن است تا تفکر تجددگرایی را به شکل دینی مطرح کند. اشکال بارز او این است که او در عین حال که روش تفسیر مفسران قدیم را از آیات حجاب نادرست و تفسیر به رأی می داند، خود با همان شیوه به تفسیر آیات مزبور می پردازد. اگر چه به تصور خود از تفسیر به رأی کناره گرفته است، ولی در نهایت تفسیرش خالی از عدم دخالت رأی و عقیده نیست.

۲- او برای نشان دادن خطای مفسران، آیاتی را مثال می آورد که ارتباطی با مسأله حجاب که یک مسأله اجتماعی است، ندارند. موارد مثال او آیاتی هستند که با پیشرفت‌های علمی، تفاسیر نادرست‌شان معلوم گشته است. او می کوشد تا مسأله اجتماعی حجاب را به مثابه مسائل علمی قلمداد کند تا نادرستی تفاسیر قدیم را بهتر بنمایاند؛ در حالی که این قیاس مع الفارق است و شرایط استدلال استقرایی مورد اهمال قرار گرفته است. حجاب یک مسأله علمی تلقی نمی شود که اشتباه مفسران در تفسیر آیات علمی به مسأله اجتماعی حجاب سرایت کند.

۳- از نگاه زین الدین نه شرع؛ بلکه عرف تعیین کننده لباس است. مسأله عرف بعدها نیز مورد استدلال مفسرانی مانند محمد سعید عشاوی و نصر حامد ابوزید از مصر، محمد شحرور از سوریه، آمنه ودود مفسر آمریکایی - افریقایی تبار و بسیاری دیگر قرار گرفت؛ اما همواره مورد انتقاد واقع شد. مثلاً عشاوی علت حکم در آیه خمار را نوعی تعدیل عرفی می داند. به زعم او در زمان نزول به خاطر نمایان بودن سینه، حکم پوشاندن آن با خمار نازل شد و مقصود اصلی آیه این نبود که نوع پوشش تعیین شود؛ بلکه مقصود پوشاندن سینه بود. طرفداران حجاب عرفی معتقدند که توصیه‌های دینی درباره پوشش، از پوشش عرفی پشتیبانی می کند و بر

مراعات آن اصرار دارد و از ستیز با هنجارهای متعارف و معمول جامعه نهی می‌کند؛ اما مخالفان حجاب عرفی، حجاب را یک مسأله کاملاً شرعی می‌دانند.

۴- زین‌الدین همچون قاسم امین بر این باور است که حجاب مانع پیشرفت زنان و ملت است و باعث می‌شود جامعه از حصاری که به دور خود تنیده فراتر نرود و تمام جامعه از این عقب‌ماندگی رنج بکشد. لیلا احمد در کتاب زنان و جنسیت در اسلام می‌نویسد: این حمله به حجاب برآیند تأمل عقلانی نیست، بلکه نتیجه درونی‌کردن و تکرار درک استعماری است (احمد، ۱۳۹۴، ص ۲۰۱). تحلیل این مسأله تا حدی دشوار به نظر می‌آید. اینکه جامعه زین‌الدین مانع ورود زنان به بسیاری از مشاغل بود، همواره زین‌الدین را رنج می‌داد؛ مخالفان می‌گفتند وظیفه زن پرداختن به حرفه‌ها نیست و باید در قالب رشد و تعالی خانواده و فرزندان نقش آفرینی کند. اگرچه با گذشت زمان، زنان پا به عرصه اجتماع گذاشتند و جوامع مسلمان‌نشین پیشرفته‌تر از پیش شدند؛ اما به هر حال، در دوره زین‌الدین این گفتار از سوی منتقدان بیشتر درونی‌کردن استعمار تلقی می‌شد. اکنون با گذشت یک قرن و تحولات رخ داده در این دهه‌ها، این مسئله ملموس‌تر شده است؛ اینک زنان مسلمان با حجاب سنتی در محافل علمی و مجامع اسلامی مشغول به کار شده و پیشرفت خود و جامعه را رقم زده‌اند. در نتیجه، می‌توان اینگونه استدلال کرد که پیشرفت جوامع چندان ارتباط به حجاب نداشته است و این تفکر که زنان با کنارگذاشتن حجاب می‌توانند به پیشرفت جامعه کمک کنند، ادعایی باطل به شمار می‌آید. البته این نقد در صورتی صحیح است که پوشش دست و صورت را مصداق حجاب ندانیم.

۵- اگر مصداق حجاب را نزد زین‌الدین پوشاندن صورت و دست‌ها بدانیم، متوجه خواهیم شد که او در پی بی‌حجابی به معنای امروزی نبوده است و نگاهش در این خصوص به روشنفکرانی چون مطهری نزدیک است. مطهری می‌نویسد: «اگر زن مرض نداشته باشد و نخواهد لخت بیرون بیاید، پوشیدن یک لباس ساده که تمام بدن و سر جز چهره و دو دست تا مچ را بپوشاند، مانع هیچ فعالیت بیرونی نخواهد بود؛ بلکه برعکس، لباس‌های تنگ و مدل‌های رنگارنگ است که زن را به صورت موجودی مهمل و غیرفعال درمی‌آورد که باید تمام وقت خویش را مصروف حفظ پوزیسیون خود کند» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۵۱۱).

۶- می‌توان گفت که زین‌الدین در این کتاب با رویکردی انتقادی و اغلب تند و تیز به جامعه مسلمانان نگرسته است و به زعم ناقدان می‌کوشد تا جامعه اسلامی را به تحول در راستای الگوی غربی هدایت کند. مخالفانش می‌گویند که حمله او به حجاب تکرار حمله استعمارگران به فرهنگ و جامعه بومی مسلمانان است. احمد می‌نویسد: توصیف خاستگاه‌ها و تاریخ ایده حجاب به عنوان شاکله گفتار استعمار غرب و منازعه عربی قرن بیستمی دارای مضامین عدیده‌ای بود و بدیهی است که گفتار استعماری این مسئله را خلق کرد و سپس بر فرهنگ‌های عربی و اسلامی سایه انداخت (احمد، ۱۳۹۴، ص ۲۰۸).

۷- زین‌الدین قائل به استقلال علم و رفع قیود از مباحث علمی و در نتیجه، جدایی علم از دین بود. در انتقاد از او گفته‌اند که اقوال خود او در تناقض است و به رغم قائل بودن به جدایی دین و علم به هر دو مایل است. او با مطرح کردن دیدگاهش به شکل دینی و با جایز دانستن دیدگاه‌های نو که محصول جوامع پیشرفته‌اند،



به انسان به مثابه محور هستی می‌نگرد و می‌کوشد تا شرعیات معاصر را بر افکار قدیمی و شرعیات قدیم را بر افکار معاصر بیفزاید. اما پیروی از مبادی حریت فکر، اراده، گفتار و عمل که اسلام بر آن استوار است با فلسفه ادیان متناقض است؛ زیرا دین بر ثوابت و نه بر تحولات استوار است و برای تفکر حریت مستقل قائل نیست. به عبارتی، در یکی استقلال عقل و در دیگری اطاعت و خضوع رشد می‌یابد (جوهری، ۲۰۰۷، ص ۲۸۵). بر اساس چنین دیدگاه‌های پسامدرنی، او به دو دیدگاه متناقض (منهج تقلیدی گذشتگان و دیدگاه‌های نو) به یک اندازه تمایل نشان می‌دهد و منهجش به نوعی منهج تلفیقی است. حال آنکه او در عقل‌گرایی و دین‌گرایی پیرو مکتب شیعه و دیدگاه نواندیشی دینی است.

۸- به نظر می‌رسد او به تفاوت‌های جوهری بنیانی که در دو جنس زن و مرد به لحاظ فکری و روانی وجود دارد، بی‌توجه بوده و کوشیده تا تمام نگاه‌های رادیکال و سنتی را رد کند و با پیشتازی در این حوزه به تناقض افتاده است (جوهری، ۲۰۰۷، ص ۱۷۸). زین الدین در نوشته‌هایش فضای مردسالارانه عصر خود را به چالش می‌کشد تا جایی که در برخی تحلیل‌هایش به زنان برتری می‌دهد. با اشاره به سن تکلیف زنان، آن را دلیلی بر زودتر کامل شدن عقل زنان نسبت به مردان می‌شمارد (زین الدین، ۱۹۹۸، صص ۸۳-۸۸). این سخنان او در عصرش به شدت نقد و تکفیر شده است (ع.ع، ۱۹۲۸، ص ۱۰۴). در مقابل، برخی معتقدند که او فراتر از ظرفیت جامعه‌اش سخن می‌گفت و به دنبال بازخوانی، ایجاد شک و فهمی نو از دین بود (عامری، ۱۳۹۵، ص ۲۲۴).

### نتیجه‌گیری

۱- کتاب «السفور و الحجاب» اولین کتاب تألیف شده درباره حجاب به دست یک زن مسلمان است. اگر چه به نظر می‌رسد استدلال‌های عقلی نویسنده بازتاب تفکر رایج آزادی‌خواهان بوده باشد؛ ولی تفاسیر او از آیات موسوم به حجاب، زنان را از برخی محدودیت‌ها رها کرد.

۲- نظیره زین الدین با این تفکر نهاده شده بین مسلمین که زنان در دین و عقل ناقص‌اند مبارزه کرد و معتقد بود سنت دچار دگرگونی شده و مفسران و فقها با تفسیر به رأی و گزینش سخت‌ترین‌ها، راه را برای زنان دشوار کرده‌اند.

۳- او با کنار هم چیدن سه اصل دین، عقل و تجدد و تلاش برای ایجاد سازگاری میان آن‌ها، به تفسیر آیات حجاب پرداخت و نشان داد پوشاندن صورت حکم قرآن نیست.

۴- از نظر او مفسر قرآن باید در تفسیر آیات به روح کلام توجه داشته باشد و آیات را مطابق عرف و فرهنگ هر زمانه تفسیر کند. او تفاسیر قدیم را برای عصر حاضر غیر علمی، متناقض و نامتناسب با عرف به حساب می‌آورد.

۵- برای نشان دادن پیشرفت گفتمان جنسیتی، قاعدتاً پژوهش در ریشه‌های این گفتمان از لوازم تحقیق شمرده می‌شود. کتاب‌های زین الدین ردپایی برای محققان است تا بافت جامعه یک قرن پیش، کنش‌ها و

واکنش‌ها را ارزیابی کنند. قطع به یقین آثاری از این دست که بر بُعد اسلامی پژوهش‌های زن‌محور تأکید دارند، در پیشبرد اهداف تجددگرایان، مهم تلقی می‌شوند. هرچند در آن زمان توفیق چندانی برای زین الدین حاصل نشد، اما نظریات وی روزه‌ای برای شکستن سنت‌هایی بود که به گفته متجددان در قرآن و سنت وجود نداشتند و دست‌خوش تأویل‌های نادرست از دین بودند.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

۱. ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف؛ *البحر المحيط فی التفسیر*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۳. احمد، لیل؛ *زنان و جنسیت در اسلام: ریشه‌های تاریخی جدال امروزی*؛ ترجمه: فاطمه صادقی، تهران: انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۹۴ ش.
۴. بدران، مارگو؛ «فمینیسم و قرآن»؛ *دائرة المعارف قرآن*، ج ۴، زیر نظر جین دمن مک‌اولیف، ترجمه: حسین خندق‌آبادی و دیگران، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۶ ش.
۵. برقی، ابوجعفر؛ *المحاسن*؛ قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۷. پزشکی، محمد؛ *صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام*؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۸. جوهری، عایده؛ *رمزیه الحجاب: مفاهیم و دلالات*؛ بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۲۰۰۷ م.
۹. رضی، ابوالحسن محمد؛ *نهج البلاغه*؛ بیروت - لبنان: دارالکتب اللبنانی، بی تا.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ ج ۳، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. زین الدین، نظیره؛ *السفور و الحجاب*؛ ج ۲، سوریه: انتشارات المدى، ۱۹۹۸ م.
۱۲. صادقی، فاطمه؛ *کشف حجاب: بازخوانی یک مداخله مدرن*؛ تهران: انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. طریحی، فخرالدین؛ *مجمع البحرین*؛ تهران: طراوت، ۱۳۶۲ ش.
۱۶. ع.ع؛ «*النقد و التألیف: العصور و الحجاب*»؛ مجله العصور، شماره ۱۳، ۱۹۲۸ م.
۱۷. عامری، پردیس؛ حمیدی، فریده؛ «*نسبت دیدگاه نواندیشان معاصر دینی با توسعه جنسیتی (تحلیل و مقایسه آرای قاسم امین و نظیره زین الدین درباره زنان)*»؛ مجله ادیان و عرفان، سال ۴۹، ش ۲، ۱۳۹۵ ش.
۱۸. عنایت، حمید؛ *سیری در اندیشه سیاسی عرب*؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر؛ *مفاتیح الغیب*؛ ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۰. قرطبی، محمد بن احمد؛ *الجامع لأحكام القرآن*؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۲۱. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار*؛ ج ۱۹، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد؛ *اصراب القرآن*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. ویلانت، ژرژ؛ «*تفسیر قرآن: اوایل دوره جدید و معاصر*»؛ *دائرة المعارف قرآن*، ج ۲، زیر نظر جین دمن مک‌اولیف، ترجمه: حسین خندق‌آبادی و دیگران، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۲ ش.

25. Badran, Margot and miriam cooke; *Opening the Gates*; Printed in Great Britain, 1992.

26. Cooke, Miriam; *Nazira Zeineddine: A Pioneer of Islamic Feminism*; London, UK: Oneworld Publications, 2010.
27. French, Marilyn; *From Eve to Dawn: A History of Women in the World*; Volume IV: Revolutions and the Struggles for justice in the 20th century; published by the Femenist Press at the city university of New York, 2008.
28. Khan, Arif ; "*Nazira was a feminist who questioned tradition*"; www.sunday-guardian.com. The Sunday Guardian, 2010.
29. Booth, Marilyn ; "*Nazira Zeineddine: A Pioneer of Islamic Feminism, by miriam cooke*"; 2011.
30. Garber, Marjorie and Rebecca Walkowitz ; *One Nation Under God?; Religion and American Culture*, published by Routledge; 1999.
31. Keddie, Nikki; *Women in the Middle East: Past and Present*; Princeton: Princeton University Press, 2012.